

شیشکی جناب «وزیر کار»

فواد عبداللہی



هشت ماه از مصوبه‌ی تحقیرآمیز حداقل دستمزد توسط «شورای عالی کار» می‌گذرد. دستمزدی که با محاسبات «کارشناسان»ی خودشان سه برابر زیر خط فقر است و با نرخ تورم و هزینه‌ی زندگی در ایران فاصله عمیقی دارد. از همان روزهای اول سال که این مصوبه تصویب شد بلافاصله از جانب طبقه کارگر ایران پاره شد و خواست تعیین واقعی سطح دستمزد توسط نمایندگان واقعی کارگران به جلوی صحنه آمد و اعلام کرد که دستمزد هر کارگر باید در سطح دستمزد جناب وزیر و هر نماینده خودگردان در مجلس باشد. همان موقع کارگران هفت تپه، پیشروترین بخش طبقه کارگر ایران، پیام «دستمزد» شورای عالی کار و تعرض سیاسی - اقتصادی حاکمیت را دریافت کردند و پاسخ درخور و شایسته‌ای را در همان ابعاد به حاکمان دادند. اکنون با گذشت هشت ماه از ابطال این مصوبه توسط کارگران، و در حالی که نیمه دوم سال جاری شاهد اوچگیری اعتصابات و اعتراضات کم‌سابقه بازنشستگان، کارگران رسمی و قراردادی در پالایشگاه‌های نفت و گاز و پتروشیمی‌ها حول برخورداری از امکانات رفاهی و پایان دادن به تبعیض و نابرابری هستیم، اما جناب وزیر کار شیشکی می‌کشد که تقاضای افزایش حقوق بیش از یکبار در سال «غیرقانونی» است و «قانونگذار گفته که حقوق و دستمزد باید سالانه تعیین شود».

به نظر می‌رسد که جناب وزیر آب از دریا می‌بخشد. واقعیت اینست که سطح دستمزد را نه ایشان، نه جمهوری اسلامی و نه هیچ حکومت بورژوازی در تاریخ تعیین کرده است. جایی در دنیا و در تاریخ مبارزه طبقاتی سراغ نداریم که حکومت‌های سرمایه‌داری از هر رنگ آن، سطح حقوق و دستمزد کارگر را به دلخواه خود در یک روز آفتابی تعیین کرده باشند. هرچا خبری از بالا بردن سطح رفاه و دستمزد جامعه بوده، بی‌تردید پای جنبش کارگری و یک مبارزه سراسری طبقه کارگر علیه حاکمیت طبقه بورژوا در میان بوده است که با اتحاد و همبستگی کارگری کفه توازن قوا و «قانون» را در مبارزه طبقاتی به نفع کل شهروندان تغییر داده است. تمام تلاش طبقه بورژوا با دولت و رسانه‌ها و دادگاه و قوانین‌شان در خدمت اجیر کردن طبقه کارگر و ضربه زدن به اتحاد و سازمان‌یابی این طبقه، و به تبع آن، برهم زدن توازن قوا به نفع حاکمیت سرمایه بوده است. به این اعتبار، طبقه کارگر در ایران هم به «تصمیمات» و «مصوبات» و «قانونگذار» حاکمیت واقعی نمی‌گذارد. هدف از ریزنی جناب وزیر و «کمیته دستمزد» پیرامون «سطح دستمزدها» چیزی جز سنجش این توازن قوا و مزه کردن شرایط برای تحمیل فقر بیشتر به طبقه کارگر نیست. ص ۲

کارگران جهان متحد شوید!



نسل کشی در غزه! آزمون «ته مانده» انسانیت! دفاع بشریت از خود!

ثریا شهابی

ماشین کشتار مخوف اسرائیل از مردم فلسطین در حمایت کامل آمریکا و اکثر کشورهای اروپایی و اکثر احزاب پارلمانی، نشانی از خاموش شدن ندارد. سرعت ماهواره ای کشتار جمعی مردم غزه چنان است که هر آمار و رقم و عددی، در مورد ابعاد نسل کشی هولناکی که تنها در چند هفته گذشته و به بهانه انتقام از حماس توسط اسرائیل جریان دارد، را غیرمعتبر نشان میدهد. کشتاری که فرمانده نیروهای نظامی اسرائیل وعده تداوم آن برای حداقل سه ماه دیگر را میدهد!

طی حملات سه هفته اخیر ارتش اسرائیل، هر هشت دقیقه کودکی در غزه به قتل می‌رسد! نوزادی هنوز گواهی تولدش صادر نشده گواهی مرگش صادر میشود! پدری بدنبال پیکر سه کودکش زیر آوار مباران‌ها، به امید معجزه ای سرگردان است. معجزه و معجزاتی که رخ می‌دهد! هشت فرزند یک خانواده در یک چشم برهم زدن توسط بمب های ارتش اسرائیل درجا کشته میشوند! اردوگاههای فلسطینیان، جباليا در شمال شهر غزه، بزرگترین و یکی از متراکم ترین اردوگاهها از هشت اردوگاه آوارگان فلسطینی در نوار غزه با ۴/۱ کیلومتر مربع وسعت و ۱۱۶ هزار جمعیت، ۲۶ مدرسه در ۱۶ ساختمان آموزشی، ... صفحه ۳

جمهوری اسلامی

در محاصره اعتراضات کارگری

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

قصاب تهران در کردستان!

مظفر محمدی



امروز پنجشنبه ۱۱ آبان ابراهیم رئیسی به همراه فوجی از وزرا و روسای دولتش به کردستان سفر کرده است. از صبح امروز مسولان دولتی استان به تقلا افتادند تا تعدادی از وابستگان‌شان از شهر و بخش و روستاها با اتوبوس و مینی بوس به سنندج بیاورند. نتیجه ی این تلاش های بی ابرو جمع آوری تعداد چند صد نفر شد که به میدان آزادی سنندج منتقل شدند. گزارشگران دولتی نوشتند «مردم سنندج از زن و مرد و پیر و جوان به استقبال رئیس جمهور محبوبشان رفتند تا گوش جان به سخنان آیت الله رئیسی بسپارن». زهی بیشرمی و وقاحت! ریسی قرار است در یک شو کریه و وقیحانه ی آشنا برای مردم ایران و کردستان، ۱۶ پروژه کلان را افتتاح کند! ریسی سال گذشته هم در سفری به کردستان پروژه انتقال آب سد آزاد به سنندج را افتتاح کرد. همین نشان حقیقتی تلخ است که در طول بیش از چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی هنوز مردم سنندج آب سالم اشامیدنی ندارند. میدیای بی ابروی دولتی این سفر را «خیز بلند کردستان برای توسعه و عمران در دولت سیزدهم» نامیده اند. این در حالی است که کارگران و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها در مرزهای کردستان کولبری می‌کنند و تا کنون صدها نفرشان با گلوله نیروهای مرزی رژیم کشته شده اند! ریسی در شرایطی به کردستانی آمده که مردم سراسر ایران از خیزش شهریور ۱۴۰۱ تا کنون چنان سیلی محکمی به رژیم ضد زن و کودک کش جمهوری اسلامی وارد کرده و چنان زخمی بر پیکر این نظام پلید زده که هیچ تلاش مذبحخانه ای از جمله وعده های ریسی نمی تواند، آن را لپوشانی کند. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

رفاه میلیون‌ها انسان کارکن در جامعه ایران قرار گرفت. فکر می‌کنند که نسل‌کشی فلسطینیان و فضای نظامی حاکم بر منطقه، می‌تواند فرصتی برای کمر راست کردن جمهوری اسلامی در برابر مطالبات رفاهی و معیشتی هشتاد میلیون شهروند آزادی‌خواه در داخل ایران باشد. اما کور خوانده‌اند.

جناب وزیر به نمایندگی از جانب حاکمیت اسلامی باروت بر آتش یک جنگ تمام عیار ریخته است. «عزت نفس» آقایان در اعلام اینکه «فقر را تحمل کنید»، تنها می‌تواند ناشی از توهم به «خودباوری» کاذب از آرایش خود در برابر مردم، بویژه در مقابل طبقه کارگر باشد. «شورایعالی کار» از چشم طبقه کارگر ایران فاقد صلاحیت و مشروعیت است. سطح دستمزد و رفاه طبقه کارگر تنها توسط نمایندگان واقعی طبقه تعیین می‌شود. این حکمی است که اکنون سر می‌زند جناب وزیر است.

عصر جدیدی از جدال که مشخصه آن، اتحاد طبقاتی، عمل مشترک و سراسری علیه حاکمیت طبقه بورژواست، فرا رسیده است. همان‌طور که جناب وزیر به نمایندگی از جانب کل طبقه بورژوا و حاکمیت آن به حرف آمده است، در همین ابعاد هم اعتراض و اعتصاب هر بخشی از طبقه کارگر ایران پیرامون سطح رفاه و دستمزد به مثابه ادعای کلی طبقه است. امروز هر بخشی از طبقه کارگر ایران در مبارزه برای بالا بردن سطح حقوق و رفاه، بجای جدال با کارفرمای خود، قلب بورژوازی و دولت آن را نشانه گرفته است. این بار نه فقط باید بساط شامورتی‌بازی سالانه‌ی حاکمیت و «شورایعالی کار» در تعیین سطح دستمزدها را جمع کرد بلکه باید جایگاه کلیدی طبقه کارگر و رهبران عملی این طبقه به عنوان وکیل بی‌چون و چرای سطح رفاه، آزادی و کرامت میلیون‌ها شهروند کارکن در آن جامعه را تثبیت کرد.

نظامیان خشک نشده است. جمعه خونین زاهدان زخمی است که هنوز هم خونریزی می‌کند. کشتار مردم ایزده با تیربار مسلسل در نیزارها هنوز جلو چشمان ما است.

جانیات جمهوری اسلامی کم‌تر از جنوساید حکام اسرائیل نیست. ما قتل عام دهه ی ۶۰ جمهوری اسلامی را فراموش نکرده ایم. قتل عامی که یکی از حکم دهنده‌گانش همین رییس قاتل است که به قصاب تهران مشهور است. ما اعدام دستجمعی انقلابیون سنندج در حالیکه یکیش زخمی و روی برانکاد است به دست خلخالی جلاد در فرودگاه سنندج را فراموش نکرده ایم. ما حمله نظامی از زمین و هوا به کردستان را که فقط آزادی می‌خواستند از یاد نبرده ایم. ما ۱۵۰۰ کشته آبان ماه ۹۸ را فراموش نکرده ایم. هنوز هم طبق امار سازمان ملل هر روز ۵ نفر قربانیان خشونت و اعتیاد اعدام می‌شوند. جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل از یک جنس‌اند. هر دو ضد مردم فلسطین‌اند. هر دو ضد استقلال فلسطین و تشکیل دولت مستقل این مردم رنج‌دیده در طول دهه‌ها هستند. اشک تمساح ریسی و نظامش برای مردم فلسطین بی‌آبروتر از آن است که بتوان لاپوشانی کرد و کسی را فریب داد.

حضور ریسی قاتل و دولتمردان خبیثش موجب نفرت و انزجار مردم کردستان است. پیام و پاسخ سنندج و سقز زادگاه مهسا امینی و کردستان آغازگر جنبش زن-زندگی-آزادی به ریسی این است که گورتان را کم کنید. نمایش بی‌آبروی طرح‌های تبلیغاتی تان را ما می‌شناسیم. کردستان و سراسر ایران زمانی روی آزادی و امنیت و رفاه را می‌بیند که جمهوری اسلامی را به گورستان تاریخ سپرده باشد. و این پروسه با جنبش و خیزش انقلابی مردم شروع شده است.

تمام «کارشناسان» حاکمیت با وقاحت تمام مشغول برآوردن کردن همپن معادله‌اند. در حالیکه همه جرایم و رسانه‌های حکومتی به مکانی برای نشر ادعاهای اقتصادی حاکمیت حول «رشد اقتصادی» و «عطش طلایی بانک مرکزی» تبدیل شده‌اند، و در حالیکه با تبلیغات حول «افزایش فروش نفت»، «آزاد شدن میلیاردها دلار از سرمایه‌های بلوکه شده ایران» و با ابلاغ «وام‌های خرید مسکن» پادشاهی می‌کنند، اما وقتی پای «دستمزد» و مطالبات رفاهی طبقه کارگر به میان می‌آید، دندان را تیز می‌کنند و کلاه شرعی می‌بافند.

سوال اینست که این همه «اعتقاد به نفس» از جانب وزیر حاکمیتی که از یکسال پیش تاکنون هشتاد میلیون شهروند علیه نظامش بی‌پاخاسته‌اند از کجا می‌آید؟! چرا حکومتی که هشتاد اش‌گرو نه‌اش است، و «کارشناسان» آن مرتب از بیم انفجارات خاتمان‌برانداز و انقلابی که در راه است می‌گویند و خطر را به هم گوشزد می‌کنند اما گمان می‌کنند که با زبان «دوران طلایی امام» و با تحمیل سکوت گورستانی دهه شصت، گماکان با پرویی تمام می‌تواند اعلام کند که طبقه کارگر ایران شایسته‌ی بردگی است و باید فقر مطلق را تحمل کند؟! شاید این بار حاکمیت توهم زده است که می‌توان با خوار شدن دولت آدمکش

اسرائیل نزد افکار عمومی در ارتکاب به جنایات امروزش علیه مردم فلسطین، اعتباری برای جمهوری اسلامی کسب کرد و تا تنور گرم است، نان را چسباند! طبق معمول خیال می‌کنند که اینبار هم می‌شود از مصائب مردم فلسطین به نفع موقعیت متزلزل ارتجاع اسلامی در منطقه سوءاستفاده کرد و به خودی خود در جایگاه بهتری برای زورگویی و تعرض بیشتر به معیشت و سطح

قصاب تهران در کردستان...

سفر ریسی در حلقه نیروهای نظامی و امنیتی اش به کردستان و جمع کردن چند صد نفر از کل منطقه در میدان آزادی سنندج یک مانور کثیف و دهن کجی به مردمی است که در یک سال و نیم اخیر صدها کشته و زخمی داده است. اما این مانور قدرت نیست بلکه پرویی وقیحانه ی رییس دولتی است که به زادگاه جنبش زن آزادی‌زندگی آمده تا بگوید من هنوز سر پا هستم. جوانان و کودکان و مردان و زنان شما را کشتم و هنوز هم دولتتم برقرار است!

ریسی قاتل کودکان و فرزندان مردم، بیشرمانه فریاد زد که رژیم صهیونیستی اسرائیل برای انسان ارزش قایل نیست. حقوق انسان را لگدمال می‌کند و اساسش بر قتل و کشتار و تجاوز قرار داده و دول حامی اسرائیل ناقضان حقوق بشر هستند.

اما ریسی در وضعیتی نیست که مخالف قتل و کشتار و تجاوز باشد. اسرائیل رژیم نژادپرست و قاتل و ضد مردم فلسطین است. دفاع جمهوری اسلامی اسلامی نه از مردم فلسطین بلکه از حماس است. و حماس را نه بخاطر احقاق حقوق مردم فلسطین بلکه بعنوان ابزاری در دست خود و جزئی از محور مقاومت برای حفاظت از نظام منحوس اسلامیش می‌خواهد. ریسی در موقعیتی از کشتار جمعی دولت اسرائیل حرف می‌زند، بویژه وقتی مردم کردستان را مورد خطاب قرار می‌دهد قبل از هر چیز و هر کسی دامن نظام و دولت خودش را می‌گیرد. مردم کردستان و از جمله بلوچستان و ایزده مشابه مردم فلسطین، قربانی سرکوب نظامی و اعدام دستجمعی جمهوری اسلامی‌اند. هنوز خون جوانان سنندج در میدان آزادی زیر پای ریسی و چکمه‌های

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره‌مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

یک مرکز توزیع مواد غذایی، دو مرکز بهداشت، یک کتابخانه و هفت حلقه چاه آب، از هوا بمباران میشود. سرنیاه همه اعضا خانواده، کودک و بزرگ و زن و مرد، با خاک یکسان میشود و جان بدربرندگان در گودال های عظیمی که تنها با گودال های ناشی از بمب های اتم قابل مقایسه است بدنمال عزیزانشان سرگردانند! تعداد کشته شدگان کارمندان کمک رسانی انسانی سازمان ملل و همه سازمان های غیرنظامی و خبرنگاران و کارکنان نهادهای اجتماعی بین المللی، در فاصله زمانی چند هفته ای، رکورد کشتار از این مددکاران را در تاریخ شکسته است.

بیمارستانها و مدارس و کوچه و خیابانها و ساختمان های مسکونی، همه جا میدان نه جنگ که میدان بمباران و سلاخی مردم بی گناهی است که از هفتاد و پنج سال پیش نسل اندر نسل از خانه ها و سرزمین هایشان به زور رانده شده اند و «موقتا» در این اردوگاهها اسکان داده شده اند!

پس از حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل و کشته شدن ۱۴۰۰ نفر نظامی و غیرنظامی و گروگان گیری حدود ۱۵۰ نفر اسرائیلی، ارتجاع نژادپرست در اسرائیل به رهبری نتانیاهو، به بهانه این حمله، حلقه محاصره غزه را تنگ تر کرد، سه هفته هرروز و هرثانیه، آن را با بیش از دو میلیون جمعیت، از هوا و زمین کوبید و آب و برق و راههای رسیدن غذا و دارو و ملزومات زندگی را تماما بر روی همه جمعیت غزه بست. بر اثر این انتقام جویی کور نژادپرستانه راست فاشیست در اسرائیل، تا کنون و طی سه هفته بین هشت تا ده هزار فلسطینی کشته و مفقود شده اند، ۳۵۰۰ کودک در غزه در مقابل چشمان جهانیان قتل عام شده اند، بیش از ۲۲ هزار نفر زخمی و صدها واحد مسکونی و دهها بیمارستان و مدرسه و محل کار، به تلی از خرابه تبدیل شده است. «جان سالم بدربرندگان» بیش از دو میلیون نفر، در محاصره و در خطر مرگ از گرسنگی و فقدان آب آشامیدنی و ابتلا به بیماری های مختلف و کوتاه شدن دستانشان از همه امکانات زندگی و سلامت، بسر میزنند! و اگر این ماشین کشتار جمعی متوقف نشود، معلوم نیست تا کی زنده بمانند!

فاجعه ای که نفس در سینه هرانسانی با حداقلی از وجدان حبس کرده است و جهانی را برای دفاع از خود و برای دفاع از بشریت به میدان آورده است! فریادهای اعتراضات جهانیان، که «دیگر بس است!»، این نه جنگ و «دفاع از خود» که یک نسل کشی و جنایت جنگی هولناک است، دولتهای غربی را که رسماً اعلام کردند که در این جنایت در کنار دولت اسرائیل ایستاده اند، سراسیمه و در مقابل مردم معترض، بی قدرت کرده است! از جمعیت یهودی در آمریکا و اروپا تا میلیون ها شهروندی که در سرتاسر جهان، فریاد «بهانه کشتار غیرنظامیان در اسرائیل برای راه انداختن این حمام خون و نسل کشی را نمی پذیریم» هر روز بلند و بلند تر میشود. میلیونها نفر در کشورهای غربی فریاد «دیگر بس است!» را سر داده اند و هر روز از اسپانیا و ایتالیا و آلمان و بلژیک و ایرلند و بریتانیا و آمریکا و دهها و دهها شهردیگر اخبار این توحش عنان گسیخته دنبال میشود و مردم بشردوست در غرب حاضر نیستند صحنه اعتراضات چندصدهزار نفره خود را ترک کنند.

بسیاری از خانواده گروگانها و کشته شدگان در اسرائیل، از ورای دیوار ضخیم سانسور رسانه ای، در مقابل دوربین تلویزیون ها، خواهان پایان دادن به این حملات انتقامجویانه و ضدبشری اند و اعلام میکنند که «نه به نام ما!» بسیاری از خانواده قربانیان هالوکاست هیتلری فریاد میزنند که «تاریخ نباید در حق هیچ کسی تکرار شود» و نسل کشی از یهودیان و هالوکاست فاشیسم هیتلری نباید تکرار شود، نه در حق فلسطینیان و نه در حق هیچ کس دیگری! جمعیت عظیمی در استادیوم های ورزشی و مراسم های هنری و اجتماعی، فریاد آزادی فلسطین و آتش بس و پایان نسل کشی سر میدهند و ریاکاری دولت های غربی را که در جنگ اوکراین هرنوع نام بردن از «روس» و «روسیه» را در همه سوخت و سازهای ورزشی، هنری و اجتماعی و... ممنوع و آن را «جنایتی» کردند، عمیقاً به چالش می کشند! همه چیز و همه جا، از اعتصاب کارگران حمل و نقل در بلژیک تا تسخیر میدان های اصلی شهرهای بزرگ و اعتراض در نشست های سیاسی در آمریکا و بریتانیا برای توجیه این جنایات، صدای همدردی با مردم غزه و همبستگی و همسرنوشتی، شنیده میشود.

غزه زخمی بر پیکره بشریت!

غزه، موضوعی در بازی قدرت!

در فاجعه غزه، سه صف در صحنه اند. صف اول آنهایی که نمی خواهند تمامش کنند، اسرائیل و متحدین بی قید و شرط اش در بورژوازی غرب، صف دوم آنهایی که پایان فاجعه کشتار، و نه حل مسئله فلسطین، میتواند تنها خاصیت جانبی باشد در جدال دیپلماتیک و نظامی در تقابلهای جهانی، از جمله چین و روسیه! صف سوم اکثریت میلیونی شهروندان جهان است که در سراسر جهان، از تل

آویو و قاهره و بغداد و تهران و بیروت و قاهره تا نیویورک و لندن و پاریس و برلین و توکیو و سیدنی، هم میخوانند هرچه سریع تر این کشتار متوقف شود و مسئله فلسطین در راستای منافع مردم فلسطین حل شود و هم میتوانند! گزارشگران منصف میگویند که جهان مهد دموکراسی، منظور صف اول، قدرت های حاکم که بر سکوی اول آن بورژوازی غرب نشسته است، در آزمایش اخلاق و تست بشردوستی، همگان رفوزه شده اند. در این ادعا حقیقتی وجود دارد. این ها همیشه رفوزه بوده اند! اما باخت امروز شان ناشی از دو واقعیت است. یکی مقطع تاریخی که در آن بسر میبریم و دیگری عمق تراژدی بنام فلسطین! نام این ماشین کشتار دستجمعی را، که امروز لحظه به لحظه قتل عام کودکان و صحنه های دلخراش آن در منازل اکثریت جمعیت کره خاکی است، آزمون «سنجش انسانیت» گذاشته اند! آزمونی که تاجایی که به قدرت های حاکم می رسد در واقع «تست ته مانده ی انسانیت» است که همگی، از هیئت های حاکمه در اسرائیل و آمریکا، بعنوان معماران اصلی این حمام خون تا متحدین یکدست شان در کشورهای اروپایی، همچون همیشه از آن رفوزه بیرون آمده اند! آزمونی که شهروندان جهان مانند همیشه از آن سر بلند بیرون آمده اند. شهروندانی که بیش از هفت دهه است که قلب شان با مصائب مردم در فلسطین میزند! شهروندانی که در قتل عام های پیشین ماشین کشتار جمعی بورژوازی غرب، در اعتراض به محاصره اقتصادی ده ساله عراق که بیش از دو میلیون کودک را به خاطر کمبود دارو و آب آشامیدنی قربانی کرد، به خیابان آمدند و به این جنایت نه گفتند. شهروندانی که به بمباران و کشتار جمعی از مردم عراق و حمله و بمباران لیبی و سوریه و فاجعه افغانستان بارها و بارها در ابعاد چند صد میلیونی اعتراض کرده و خواهان ختم ماشین های کشتار جمعی بودند که بیش از همه جا، خاورمیانه را به باطلای تبدیل کرد. جنایات قبلی و توحشی که زمینه ساز آن بود که امروز اسرائیل بتواند مفتخر باشد که نسل کشی و پاک سازی کامل غزه عین «عدالت» است! و بی شرمانه وعده دهد که این هالوکاست نه تنها متوقف نمی شود که برای حداقل سه ماه دیگر ادامه خواهد داشت!

در صف دوم، دیگر قدرت های منطقه ای و جهانی اند که در این باطلای خون، نه تنها بدنمال حل مسئله بی حقوقی تاریخی مردم فلسطین نیستند، که بهره برداری از این تراژدی عظیم انسانی در سرپوش گذاشتن بر معضلات داخلی خود و کسب امیتاز در رقابت های بین المللی، اول و آخر رابطه شان با فاجعه امروز غزه است.

سه هفته «تلاش» دیپلماتیک و سیاسی و خط و نشان کشیدن های پوچ این صف، از قدرت هایی چون چین و روسیه با پز میانجیگری و «حامیان صلح» تا قدرتمندی امثال اردوغان ها که خود مشغول نسل کشی از کردهای سوریه است یا مصر و عربستان و شیخ نشین هایی که خود یک رکن ادامه سیاست دائمی پاکستانی های تاریخی از مردم فلسطین هستند، و یا باد به غبغب انداختن های سران جمهوری اسلامی که تاریخاً با سواستفاده از مصائب مردم فلسطین و با زدن رنگ اسلامی به جنبش حق طلبانه فلسطینیان، مانع رسیدن آنها به حقوق پامال شده شان بود، کمترین تأثیری در مهار ماشین کشتار در غزه، نداشته است. «جامعه جهانی»، کلوپ این قدرت های بورژوازی، آنهم تحت فشار اعتراضات پایین، تنها و تنها قادر شد پس از سه هفته، با «پیچاندن میج اسرائیل»، اجازه ورود اولین کاروان کمک رسانی دارویی و غذایی به غزه را کسب کند!

صف سوم اما، صفی است که هم میخواند و هم میتواند بلافاصله آتش بس فوری و بدون قید و شرط را عملی کند و پاسخی انسانی، متمدانه و عادلانه به مسئله فلسطین و بازگرداندن سرزمین های اشغالی آنها بدهد. صفی که در میدان است! صفی که تنها و تنها با برافراشتن پرچم جنبش های سوسیالیستی، قادر خواهد بود از اهرم فشار به قدرتی که ورق را میتواند فوراً برگرداند، تبدیل شود.

این صف، که از ایران تا آمریکا و بریتانیا و همه کشورهای اروپایی و آسیایی به میدان آمده است، امروز در شرایط تاریخی متفاوتی قادر است که از دریچه حل زخم تاریخی فلسطینیان و پایان دادن به این نسل کشی افسار گسیخته، ورق را در سراسر جهان برگرداند.

برای پاسخ به مسئله فلسطین و پایان دادن به انفجار ظلم و بی عدالتی که سرباز کرد، لازم نبود میلیون ها نفر، نسل در نسل قتل عام، تحقیر و سرکوب شوند. معضل فلسطین برای آمدن بر روی میز جهانیان، لازم نبود که به فاجعه امروز و فشار از این طریق، برسد! بن بست بورژوازی غرب و شکست های پی در پی در تراشیدن محورهای شر برای نگاه داشتن خود بر کرسی ریاست جهان و تلاش برای حفظ اسرائیل در قلب خاورمیانه ای که به همت بورژوازی غرب و متحدین اش در منطقه، به باطلای جنگ های نیابتی قومی - مذهبی تبدیل شد، این نسل کشی را ممکن کرد. ادامه در صفحه بعد

در عین حال باد زدن به اسلام سیاسی، این «فرزند ناخلف» بورژوازی غرب بعنوان بهترین «پادشهر» ضدکمونیستی، خاورمیانه را بیش از پیش میدان جنگ باند‌های جنایی قومی و مذهبی کرد که به موازات خود تقویت و رها شدن افسار راست فاشیست یهودی را بدنبال داشت.

بعلاوه بی پاسخی بورژوازی عرب برای حل معضل فلسطین و دست بالا پیدا کردن ارتجاع اسلامی در مسئله فلسطین، که نه خواهان حل آن، که خواهان «رستخیز اسلامی» در منطقه و در جهان بود، بر متع عروج راست افراطی و نژادپرست یهودی در اسرائیل، همه و همه عواملی بود که مانع به سرانجام رسیدن پروژه های صلح و مذاکرات و اجرای مصوباتی بود که سازمان ملل مقرر کرده بود. این شرایط برای بیش از پنج دهه حل معضل فلسطین را نه تنها به تعویق انداخت که هر روز مناطق بیشتری از آنها غصب و اشغال شد و چشمان «جهانیان» یعنی همه قدرت های حاکم در مقابل آن تماما کور بود.

«خونخواری» امروز راست افراطی در اسرائیل، نا ناشی از قدرت آن و اعتماد به بقا نظام شان، که ناشی از بن بست است که اسرائیل و آمریکا در منطقه با آن دست به گریبان اند. بن بست است که در عین حال در شرایطی رخ میدهد که در خود این جوامع، قدرتهای حاکم زیر فشار توقعات مردمی که دیگر مدت ها است به دموکراسی پارلمانی و وعده های دروغین آن، نه اعتماد و نه باوردارند، کمرشان به سخنی راست می شود. بن بست اسرائیل، بن بست آمریکای، بن بست همه قدرت های حاکم، از معماران نسل کشی تا همه قدرت های ارتجاعی در منطقه و در جهان است.

امروز پایان یک دوره و آغاز دوره دیگری است! مسئله فلسطین از دایره جهان عرب و خاورمیانه و دو قطبی اسلامی - یهودی، بیرون رفته است. دوره پایان بهره برداری راست افراطی یهودی از فاجعه هالوکاست و کوره های آدم سوزی فاشیسم هیتلری است و پایان بهره برداری ارتجاع اسلامی و پرچم رستخیز اسلامی از مصائب مردم فلسطین است! عمر و ارزش مصرف این دو، از دریچه معضل فلسطین، بسرآمده است. بن بست نایابو بن بست حسن نصرالله هم هست! تراژدی نسل کشی از مردم غزه، تیر خلاصی بر هردو این ارتجاع ها است. امروز فلسطین معضل بشریتی است که از دریچه این تراژدی به موقعیت انقیاد

کامل خود زیر چرخ آدمکش کابیتالیسم، چرخ و خون و عقونت آن، جنگ ها و تخریب های آن، از آمریکا تا اروپا و آسیا و خاورمیانه و ایران، پی برده است. بشریتی که خود را از تحمل فقر و فلاکت و بی حقوقی و کشتار دستجمعی در انقیاد هیولای سود و سودآوری، این خدای زمینی که باید مورد پرستش قرار گیرد، خلاص کرده است. در جوامعی که امروز در حمایت و همبستگی با غزه بپاخواسته اند، پیشتر طبقه کارگر، زنان و جوانان و مردم محروم، زمین را زیر پای حکومت هایشان داغ کرده بودند. اعتصابات و اعتراضات کارگری و مردمی علیه فقر و گرانی و.. از اسرائیل و ایران تا کشورهای اروپایی و آمریکا قدرت های حاکم را به استیصال کشانده بود.

تغییر توازن قوا بین باندهای قدرت های ارتجاعی از ترکیه و ایران تا کشورهای عربی در منطقه، در کیس معضل فلسطین، تنها اهرم فشاری است. این فشارها و این قدرت ها، هرگز نه میخواهند و نه میتوانند مسئله فلسطین را حل کنند. حل مسئله فلسطین کار جنبش های سوسیالیستی است. صحنه بهم ریخته بین قدرتهای جهانی، در عین حال صحنه ابراز وجود نیروهای قطب سوم است.

قطب سوم که امروز از دولت فاشیست و نژاد پرست اسرائیل، از ارتجاع اسلامی در منطقه، تا ویرانه های برجای مانده از عمارت فریبنده دموکراسی غربی و «نهادهای بین المللی» که امروز کاملا بی خاصیت شده اند، زیر فشار آن خورد شده اند. قطب سوم که دیگر سرنوشت معضلی تاریخی چون معضل فلسطین را نه رسالت قدرتهای غربی و «جامعه جهانی»، که رسالت خود میداند.

این قطب با حضور قدرتمند خود، با کنار زدن تمام «تفاوتها» و «شکافها» قومی و ملی و مذهبی، با دست رد زدن بر سینه برچسپ هایی چون «من مسلمان» و «تو یهودی»، «شرقی» و «غربی» و ... با تلاش بی وقفه اش برای حل مسئله فلسطین، فی الحال صحنه سیاست را در جهان تغییر داده است.

در دل منجلاب مرگ و کشتار و تراژدی هفته های اخیر، عروج این قطب، نوری در انتهای تونل کابوسی است که در غزه در جریان است. مردم فلسطین متحدین واقعی، حامیان و نمایندگان خود را پیدا کرده اند.

جمهوری اسلامی در محاصره اعتراضات کارگری

کارگران! دوستان!

شما می بینید که دستمزدها کلاف سردرگمی است از انواع حیلها و تفاوت ها و تبعیض ها در صفوف طبقه کارگر و در چنگال کثیف کار پروژها ای، تبعیض جنسیتی و نابرابری دستمزد مردان با زنان و بهره گیری از کار خانگی بی اجرو مزد زنان و حتی کار کودکان. کار بدون قرارداد یا قراردادهای موقت علاوه بر این که چماقی در دست کارفرماها و دولت برای اخراج کارگران معترض و بهره بانه ای و با پشتگرمی لشکر بیکاران و کار ارزان پشت درب کارخانه ها و شرکت ها است. دستمزدها، اعتصاب بر سر دستمزدها، دخالت مستقیم مراکز کلیدی صنعتی آن پاسخی است که میتواند بساط عملیات ایدایی حکومت اسلامی سرمایه را افسار بزند. طبقه کارگر اگر فقط دستمزدش را بخواهد و بگوید که «من سر کار نمی روم» کافی است تا جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه سقوط نزدیک شود.

طبقه کارگر یک پدیده عظیم است، یک طبقه قوی است، می تواند همه چیز را تغییر دهد. به همین دلیل است بیشترین خشونتها علیه کارگران اعمال می شود، و بیشترین شلیک به سمت کارگران صورت میگیرد. طبقه کارگر باید مثل ارتشی واحد به جنگ کارفرما و دولت و دستگاه های حراست و جاسوسی و قضایی برود. گردان های جدا از هم تا کنون ضرباتی به رژیم وارد کرده است. اما این جنگ اگر به بخشی از طبقه کارگر محدود شود کل طبقه را در شرایط مصیبت بار بی حقوقی نگه می دارد. بعنوان یک اصل طبقه کارگر به تشکلهای مستقل خود نیاز دارد. اما در دسترس ترین، قوی ترین و اتحادی غیر قابل سرکوب، جنبش مجامع عمومی کارگری است. این سوال که چگونه جنبش طبقه کارگر با قدرت و صلابت می تواند در تغییر سرنوشت خود نقش بازی کند، پاسخ و کلید این مساله در جنبش مجامع عمومی است. قدرت کارگر در تجمع او است، در تصمیم گیری جمعی او، در خاصیت طبقاتی او نهفته است. قدرت طبقه کارگر در تجمع و اتحادش است. مجمع عمومی نیازی به پیچیدگی های عجیب و غریب ندارد، میتواند همه کارگران را در مکانی در محیط کار جمع کرد و گفت که این مجمع عمومی کارخانه است، و آنچه کارگران می گویند حرف آخر ما است. با تصمیم مجمع عمومی هیچکس نمی تواند گلوئی یک کارگر را بگیرد و او را تهدید کند.

کارگران کمونیست، رفقا!

کمونیسم چیزی جز ابزار مبارزه طبقه کارگر نیست. ابزاری برای اتحاد کارگری در یک مرکز و محیط کار و اتحاد کارگری سراسری. کمونیسم ابزاری برای آزادی طبقه کارگر از استثمار و بردگی مزدی و تامین برابری و حفظ حرمت و کرامت انسان است. مجمع عمومی به عنوان یک هدف، این است که تعدادی از کارگران کمونیست آگاه، به محض اینکه وضعیت در شهر و شاخه تولیدی آنها مختل شد، بلافاصله مجمع عمومی را تشکیل دهند و در ذهن کارگران تثبیت کنند که مجمع عمومی باید برگزار شود. تثبیت کنند که مجمع عمومی بدنه ای است که می تواند قطعنامه ای را تدوین کند، نمایندگی ای را انتخاب کند، کسی را برای مذاکره بفرستد و تصمیم بگیرد که آیا اعتصاب کند یا نه. حرکت مجمع عمومی سنگ بنای کار ما است.

امروز وقت آن است که اتحاد صفوف کارگر را حول عمیق ترین جنبه های به کرسی نشاندن آزادی و برابری در محل کار و زیست و در جامعه آماده ساخت، به آن میدان داد، شناساند و ادامه کاری آنها را تضمین نمود. تنها در چنین موقعیتی است که طبقه کارگر میتواند بر جنبش بخشهای های دیگر جامعه صاحب نفوذ و اتوریته باشد، از جنبش های اجتماعی استقبال کند و آنها را مربوط به خود بداند و جامعه را به جلو حرکت دهد!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۷ اکتبر ۲۰۲۳

کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل حزبی

شما است.

حزب را از آن خود کنید!

جمهوری اسلامی در محاصره اعتراضات کارگری

مهرماه امسال تا امروز، کارفرماها و دولت با اعتصاب، تجمع و اعتراضات کارگری مستمری روبرو بوده اند. این درحالی است که برای فعالین معلمان، خبرنگاران و فعالین سیاسی احکام سنگین صادر می شود و اخراج دستجمعی پزشکان و استادان و دانشجویان دانشگاه ها گسترش یافته است.

بر اساس گزارش های منتشر شده نیمه دوم سال ۱۴۰۲ با افزایش اعتراضات کارگران و بازنشستگان همراه بوده است. از جمله درمهر ماه تا کنون ۱۲۵ اعتصاب و اعتراض و تجمع کارگران رسمی و پیمانی سکوها و پالایشگاههای نفت و گاز و بازنشستگان تأمین اجتماعی در بیش از ۳۰ شهر کشور برگزار شده است. مهمترین مبارزات این دوره از جانب کارگران رسمی و پیمانی ارکان ثالث، پالایشگاهها، سکوها و پایانه های نفت و گاز است که از مهر ماه گسترش کم سابقه ای داشته و گاه بصورت هر روزه تجمعات کارگری برگزار شده است.

بخش هایی از برگزار کنندگان تجمع، اعتراض و اعتصاب کارگری کارکنان سکوها دریایی در ۲ شرکت فلات قاره ایران و نفت و گاز پارس، گروهی از کارکنان شاغل در سکوها نفتی در بعضی از مراکز در سکوها منطقه خارك، کارکنان قراردادی وزارت نفت در بخش های ملی حفاری و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان، کارگران عملیاتی در بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان، کارگران غیر رسمی نفت هم در پالایشگاه نفت آبادان که حدود چهار هزار کارگر به صورت پیمانکاری کار میکنند، کارکنان رسمی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری در چند روز پیاپی، کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در سکوها فروزان، ابودر و بهرگانسر همچنین شرکت نفت فلات قاره بوده اند. علاوه بر این گروههایی از کارکنان قراردادی (معین) ستادی مناطق نفتخیز جنوب، شرکت فلات قاره و منطقه یک عملیات انتقال گاز میانکوه، پرسنل اقماری ارکان ثالث سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، کارکنان پروژه ای شرکت نمین زیر مجموعه پتروپارس در منطقه نفتی جفیر، کارگران اخراجی شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر، کارگران اخراجی یکی از پیمانکاری های فاز یک شرکت پالایش گاز هویزه، بازنشستگان مخابرات، بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان فولاد، بازنشستگان کشوری و ... بوده اند.

مطالبات کارگران

اوجگیری اعتراضات کارکنان و کارگران مناطق نفت و گاز بر سر تعیین سقف حقوق و برداشت مزاد مالیات از حقوق کارگران، حذف شرکت های واسطه و پیمانکاری و رفع تبعیض ها و برخورداری از شرایط حقوقی و رفاهی یکسان در برابر کار یکسان است.

بعلاوه مجموعه ای از مطالبات بدون پاسخ مانده از قبیل: معوقات مزدی و بیمه و مزایای ۶ تا ۱۰ ماهه عدم اجرای آئین نامه های لازم الاجرا از جمله اجرای ماده ۱۱۰، اعتراض به تداوم فعالیت پیمانکاران، اعتراض به دستمزدهای پایین، خواستهای معیشتی، اعتراض به عدم اجرا و بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل، خواست حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اعتراض به عدم موافقت با ایجاد و راه اندازی نهاد و تشکل کارگری مستقل در محیط کار و اعتراض به بی توجهی کارفرمایان به ایمنی و بهداشت کار و از دست رفتن جان کارگران در پی فقدان ایمنی...

مطالبه مشترک همه گروههای بازنشستگان هم، کافی نبودن مستمری، عدم اجرای همسان سازی حقوق شاغلان و بازنشستگان، کافی نبودن خدمات بیمه تکمیلی و خدمات رفاهی است. در میان این حجم از مطالبات بی پاسخ اما، خواست خروج پیمانکاران و افزایش دستمزدها و امن شدن محیط های کار مطالبه اصلی کارگران قراردادی و ارکان ثالث شاغل در مناطق نفت و گاز است. فعالان کارگری می گویند، حذف پیمانکاران در دستور کار دولت نیست. طرح حذف پیمانکار نیروی انسانی در دالان های شورای نگهبان و مجلس می چرخد و با سرنوشت کارگران بازی می کنند. بعلاوه دولت و مجلس برای بازگشت طرح استاد-شاگردی و افزایش سن بازنشستگی به برنامه هفتم توسعه متحد شده اند. ناامنی محیط کار دسته دسته کارگران را به کام مرگ می کشاند!

مراکز نفتی یکی از مراکز است که جان کارگران بدلیل عدم ایمنی محیط کار

همواره در خطر است. یک خواست اعتراضی کارگران پیمانی نفت می گویند یک خواست اعتراضی ما ایمنی محیط کار است و این خواست سراسری همه کارگران در نفت است.

یکی از مسوولین سازمان تأمین اجتماعی ایران می گوید که سال گذشته بیش از ۷۰۰ کارگر در ایران به دلیل حوادث ناشی از کار، جان باختند. این آمار به معنی فوت ۲ نفر در هر روز کاری است. حوادثی که خود معتقدند قابل پیشگیری است! اما انجمن متخصصین بهداشت حرفه ای ایران اعلام کرده است که هر سال به طور متوسط حدود ۱۳ هزار حادثه کاری در ایران رخ می دهد و بر اثر آن ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر جان خود را از دست می دهند. بعلاوه معادن در ایران، از کرمان تا آذرشهر، از سمنان تا بافق در چنگال مشت تبه کار از جیب برها، کلاشان حرفه ای، راهزنان دستمزد و کثیف ترین باندهای سیاستمداران و مدیران دنیای وحوش سرمایه؛ از خون کارگران تغذیه میکنند. تنها در معادن زغال سنگ طزره شاهرود شش کارگر کشته شدند. معادن در ایران برای کارگران «محیط کار» نیست، محیط مرگ است. دولت، کارفرما، قانون، وزارت کار و قوه قضاییه و خانه کارگر، عوامل ایجاد این گورستان هستند.

پاسخ دولت و کارفرماها چیست؟

ماشین دولتی حامی کارفرماها، با تمام قوا از کارگران معترض انتقام می گیرد. از جمله، دادگاه انقلاب اهواز علیه هفده کارگر معترض گروه ملی فولاد اهواز بخاطر اعتراضاتشان علیه فساد مدیریت و علیه سطح نازل حقوق ها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، احکام جرمیه، زندان و شلاق صادر کرده است. بر اساس حکمی وحشیانه هفده کارگر به پرداخت دو میلیون و پانصد هزار تومان جزای نقدی، سه ماه حبس تعزیری و مجازات ۷۴ ضربه شلاق اسلامی قرون وسطایی محکوم شده اند. اتهام آنها «اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال» اعلام شده است. در حکم اخیر دادگاه علیه کارگران فولاد در سخیف ترین شکل ممکن افسار قاضی و عدالت و دادگاه را بدست کارفرما میسپارد. قانون و عدالت چیزی جز ابزار تداوم بساط زورگویی و بهره کشی سرمایه نیست.

از طرف دیگر حبیبی و دیگر روسای خانه کارگر و کانون های هماهنگی شوراهای اسلامی کار بعنوان سوپاپ اطمینان دولت و کارفرماها در حرف از کارگران دفاع می کنند و حتی می گویند کارگران نباید ساکت باشند. در غیاب تشکل مستقل کارگری، امثال حبیبی ها سردمدار ریاکاری و در واقع ساکت کردن کارگران در مقابل شرایط مصیبت بار کار هستند. برای کارگران راهی جز تجمع و اعتصاب و اعتراض باقی نمانده است. میدانیم که حکومت در محاصره اعتراضات کارگران و همه ی مردم و از گسترش اعتراضات سراسری بشدت هراسان است. به همین دلیل است به اقدامات ضد کارگری و شیوه های سرکوب قرون وسطایی جرمیه و شلاق و زندان کارگران دست می زند. این را طبقه کارگر نباید اجازه بدهد. دشمنان طبقه کارگر در سرکوب و ایجاد تفرقه و شکاف درون طبقه کارگر استاندند. «افغان» هراسی اخیر یکی از این شگردهای کثیف دولتمردان شرور و تبهکار برای ایجاد تفرقه در صفوف اتحاد و برابری و برادری طبقه کارگر صرفنظر از نژاد و ملیت و قوم و زبان و کشور است.

تجمع، اعتراض، و تشکل حق مسلم همه کارگران و مردم است. طبقه کارگر پمنا به یک طبقه ی واحد اجازه نمی دهد کرامت و حق و حقوق کارگران از طرف کارفرما و دولت به بازی گرفته شود. طبقه کارگر در همه جا و در سطح سراسری صدای اعتراض خود را علیه احکام وحشیانه بلند کرده و از فعالین رهبران و همکاران خود دفاع می کند. حکم دادگاه اهواز یک تعرض جویانه از پادوهای احمق بورژوازی به کل طبقه کارگر در سراسر کشور است و باید با قدرت پاسخ بگیرد. پیام همبستگی و محکومیت کافی نیست.

دستمزدها و معیشت خانواده های کارگری

فعالان کارگری می گویند تورم ۴۸ درصدی اعلام شده هیچ تناسبی با افزایش ۲۷ درصدی حقوق سالانه کارگران که بر خلاف وعده های داده شده، ترمیم هم نشد؛ ندارد. در حال حاضر، حداقل دستمزد ماهانه کارگران مشمول قانون کار، متاهل و دارای فرزند حدود هشت میلیون تومان است. این در حالیست که بر اساس گزارش ها، ۷۰ درصد حقوق دریافتی کارگران صرف اجاره بها می شود و خانوارهای کارگری برای تأمین سایر مخارج زندگی خود به ویژه در شهرهای بزرگ که هزینه زندگی بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون در ماه برآورد می شود، مجبورند شغل دوم و سوم داشته باشند.

ادامه اطلاعات در صفحه قبل

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena